



تعلیم مفاهیم کلی فلسفه اسلامی به کودکان امکان پذیر است

حجت الاسلام مهدی پرویزی نویسنده کتاب فلسفه اسلامی طرح درسهایی برای آموزش به کودکان گفت: در این کتاب سعی شده روش هایی که برای تعلیم مفاهیم اسلامی ارائه شده چیزی جدای از زندگی کودکان نباشد...

حجت الاسلام مهدی پرویزی نویسنده کتاب فلسفه اسلامی طرح درسهایی برای آموزش به کودکان گفت: در این کتاب سعی شده روش هایی که برای تعلیم مفاهیم اسلامی ارائه شده چیزی جدای از زندگی کودکان نباشد. همان پرسشهای بچه ها در ضمن زندگی عادی آنهاست که یکسری مفاهیم کلی در ذهن آنها شکل می گیرد.

به گزارش خبرنگار مهر، از سری کرسی های نقد کتاب تارنمای تخصصی علوم تربیتی رب، کرسی نقد کتاب فلسفه اسلامی طرح درس هایی برای آموزش به کودکان نوشته حجت الاسلام مهدی پرویزی با حضور نویسنده و منتقدان کتاب دکتر نواب مقربی و سجاد هجری عصرشنبه 26 بهمن ماه در دانشگاه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران برگزار شد.

در ابتدای این نشست پرویزی گفت: این کتاب، کار جدید و نویی است شاید ادعا کرد روی مبانی خیلی محکم کار شده است، اما به طور کلی نگاهی روی فلسفه اسلامی دارد یا هدفش ارائه یک جهان شناسی و جهان بینی کلی برای کودکان است. درک این جهان شناسی کلی احتیاج به تصور دقیق از تصدیقات دارد. هر تصویری مترتب بر آن تصدیق است.

وی افزود: درک این تصورات خود به خود تصدیق گزاره های فلسفی را در پی خواهد داشت. این کتاب سعی دارد کمک کند تا کودکان بتوانند تصورات یا مفاهیم کلی فلسفی را دقیق تصور کنند. وقتی چنین چیزی محقق شد خود کودکان به یک جایی می رسند که می توانند این تصدیق ها را رد یا اثبات کنند.

در ادامه دکتر نواب مقربی تصریح کرد: من درباره یکی نقد این کتاب و یکی هم درباره ضرورت طرح فلسفه بومی اسلامی برای کودکان صحبت می کنم. از آنجا که این کتاب نخستین کتابی است در حوزه آموزش فلسفه اسلامی (حکمت متعالیه) به کودکان شایان تجلیل و تقدیر است جمله مشهوری در زبان انگلیسی است که می گوید هیچ کار بزرگی انجام نمی شود مگر آرزوی آن وجود داشته باشد. این کتاب آرزوی آموزش فلسفه اسلامی برای کودکان را داراست. نکته دوم این است که قلم نویسنده روان و شفاف و عاری از لفاف است. یک دانشمند مشهور غربی می گوید اگر بتوانید چیزی را به طور واضح بیان کنید معلوم است که آن چیز را می دانید و اگر نه، آن را نمی دانید. این کتاب مطالب را واضح بیان کرده است. باید درباره کتاب دو بخش مد نظر قرار می گرفت اول شیوه زیست و زندگی کودکان سپس تعلیم فلسفه اسلامی به آنها.

وی افزود: هدف از نقد ما بهتر کردن کار است نه تخریب آن. اولین کاستی که این کتاب دارد کتاب بدون مقدمه وارد مباحث پیچیده و مرد افکن فلسفی شده است که برای کودکان ثقیل است. این کتاب زمینه و بستر فلسفه اسلامی را نوشته شاید این مسائل تعلیم دادنی نباشد چیزی است که به تربیت مربوط می شود از راه آموزش میسر شدنی نیست. تا بستر و زمینه مناسب برای فلسفه اسلامی ایرانی مهیا نباشد آموزش فلسفه اسلامی هم میسر نمی شود. اما چگونه می شود کودکان را با فلسفه اسلامی ایرانی آشنا کرد. تعلیم آموزه های خاصی یا آموزاندن اندیشه های خاصی در این مورد کفایت نمی کند باید از راه های عملی وارد شد. این بستر تربیتی عبارت است از فرهنگ قرآنی که شامل آیات و روایات و تاریخ اسلام و آثار ادبی و شعری اسلامی ایرانی ما که پر از آموزش خردورزی به کودکان می باشد. در فلسفه اسلامی عمل به نظر تقدم دارد و این وجه تمایز فلسفه اسلامی با فلسفه غربی است.

مقربی عنوان کرد: من قبل از گرفتن دکترایم خواستم کتاب اسفار ملاصدرا را در محضر استادی بخوانم، اما چیزی از آن نفهمیدم دکترای فلسفه ام را گرفتم بعد هم نفهمیدم بنابراین دکتر در فلسفه حکمت متعالیه ملاصدرا گرفتم و بعد اسفار را فهمیدم می خواهم بگویم طرح درس حکمت متعالیه برای کودکان ثقیل است. هدف باید ایجاد انگیزه و علاقه به کودکان برای خواندن فلسفه باشد. باید مفاهیم کلی فلسفی مثل ، اثبات وجود خدا، قانون علیت، مبدأ و معاد، حرکت و زمان، وجود و ماهیت ، وجود مسائل ربطی را در قالب داستان به کودکان آموخت. از راه مستقیم نتیجه ندارد و کودک از آن فرار می کند باید به شیوه غیر مستقیم با کمک گرفتن از داستانهای قرآنی که منبع قوی ای از تفکر و خردورزی است این مفاهیم را به کودکان آموزش داد. این ایرادی است که بر نویسنده وارد است هر چند که نویسنده قدم اول را در این خصوص برداشته است.

پرویزی در مورد صحبت های مقربی گفت: در مورد شیوه زیست کودکان و تعلیم فلسفه اسلامی به آنان سعی شده روش هایی که برای تعلیم مفاهیم اسلامی ارائه شده چیزی جدای از زندگی کودکان نباشد. همان پرسشهای بچه ها در ضمن زندگی عادی آنهاست که یکسری مفاهیم کلی در ذهن آنها شکل می گیرد. برای مثال دختر بچه دو ساله من دست روی هر چیزی می گذارد می گوید این چیه این چیه یعنی یک تصور کلی از چیستی دارد و وقتی ما مثلاً می گوییم این یک گل است او مفهوم کلی از گل در ذهنش نقش می بندد به هر چیزی که شبیه آن گل باشد گل می گوید.

وی افزود: تفاوت فلسفه غرب با فلسفه اسلامی تقدم تربیت بر تعلیم است این کار من یک کار تربیتی است. زیرا بچه ها یکسری چیزهایی را تجربه می کنند. این کار، کار کاملاً عملی است. اما گفتید که این کتاب برای بچه ها ثقیل است این کتاب به بچه ها آموزش داده شده و قابل درک و فهم برای آنان هم است. هدف ما به تفکر واداشتن کودکان بنا بر فلسفه برای کودکان

غربی نیست که توسط لیپمن پایه گذاری شد بلکه هدف ما این است که به یکسری مفاهیم کلی که بچه ها خودشان آنها را می دانند ولی به آن توجه ندارند توجه بکنند. بچه ها برای اینکه بتوانند حرف بزنند و جمله بنویسند مجبورند کلمه بلد باشند این کتاب یاد دادن همان کلمه هاست. این کتاب تعلیم یکسری مفاهیم کلی است که در ذهن بچه ها شکل می گیرد. این کتاب منطق یا شیوه تفکر انتقادی و فلسفیدن نیست بلکه ناخودآگاه بچه ها را با بازسازی یکسری مفاهیمی که در زندگی روزمره آنها وجود دارد در محیط های آموزشی بیدار می کند. این کار با فلسفه برای کودکان غربی که دنبال به تفکر واداشتن است تفاوت دارد این کتاب یکسری مفاهیم کلی و بعد یکسری گزاره های فلسفی را به کودکان آموزش داده است. یکسری مفاهیم کلی داریم که در خارج وجود دارند و طبیعی هستند به آن معقولات اولی می گوئیم و یکسری مفاهیم کلی داریم که در خارج وجود ندارند و به آن معقولات ثانوی می گوئیم تعلیم مفاهیم اولی برای کودکان امکان پذیر است هر چند تعلیم معقولات ثانوی برای آنها سخت است. هر اسم سختی با دیدن مصداقش برای بچه ها آسان می شود دغدغه ما هم در این کتاب همین مسئله است که کتاب را قابل آموزش می سازد.

سجاد هجری هم در ادامه گفت: گاهی نو بدعت است گاهی نو بدیل؛ انسان وقتی چیزی نویی می خواهد بیاورد باید ببیند چرا دیگران تا به اکنون آن چیز را نگفته اند. چرا تعلیم حکمت متعالیه به کودکان در قدمای ما نبوده است. این پرسش اساسی من از شماست. گفتید ادراک کلیات اگر دوستان با حکمت متعالیه آشنایی داشته باشند خود ملاصدرا فرموده چیزی که من بیان کردم مفاهیم کلی است که با خیال منتشره باید به آن مفاهیم کلی دست یافت ولی ضرورت از آموزش فلسفه اسلامی به کودکان در این کتاب بدیهی پنداشته شده است باید از اهل فن و متخصصان بپرسیم که آیا آموزش این مفاهیم به کودکان بدیهی است. با شما موافق هستم که دادن یک جهان بینی درست به کودکان بدیهی است اما آموزش فلسفه اسلامی با آن سختی و ثقیلی آیا بدیهی است. خود ملاصدرا درک فلسفه اش را مترتب بر آموزش نمی داند بلکه بر تهذیب نفس برای درک مطالب تأکید می کند. آیا برای ادراک کلی آن روحانیت قریب به تام لازم نیست و آیا کودک آن را دارد. ببینید فهم حکمت متعالیه ملاصدرا اسان نیست بسیاری از اساتید در جاهایی از فلسفه ملاصدرا می رسند می گویند نمی دانیم. یک سیر تاریخی از خواجه نصیر تا ملاصدرا برای حکمت متعالیه زحمت کشیده شده چطور در قالب یک کتاب این مطالب را به کودکان می شود آموخت. در ادامه پرویزی به انتقاد هجری پاسخ داد و گفت شاید کسی دغدغه من را نداشته است که فلسفه اسلامی را به کودکان آموزش دهد ولی من به لحاظ کارم که با بچه ها سرو کار دارم این دغدغه در من ایجاد شده بود. اینکه آیا از متخصصین برای درستی این کار پرسیده ام یا نه پرسیده ام و خود مقام معظم رهبری در دیداری که با اساتید فلسفه اسلامی داشتند بر روی آموزش فلسفه اسلامی به کودکان تأکید کرده اند. اما اینکه این مفاهیم برای بچه ها ثقیل است من با بچه ها در این خصوص کار کرده ام خیلی سوالهای آنها در ابتدا قابل جواب و فهم برای آنها نبود ولی وقتی از این بحث ها استفاده کردیم فهم سوالها و جواب دادن به آنها برای آنها قابل درک شد. اینکه درک حکمت متعالیه بر تهذیب نفس عنوان شده درست است ولی خود تعلیم این کتاب هم نوعی آموزش تهذیب و ریاضت برای کودکان است.